

Crime Prevention Law in Islam and West Criminal Policy

Soheila Ebrahimzadeh¹, Shahraddar Darabi²

¹Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom, Iran.

E-mail: soheila.ebrahimzade@iau.ir

²Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Islamic Azad University, Qom, Iran.

E-mail: shahraddar.darabi@yahoo.com

Abstract

The law of crime prevention—whose purpose is to safeguard individual rights and freedoms and to delineate the boundaries governing the intrusion into individuals' private lives within the framework of proactive preventive strategies—has long been upheld, at least rhetorically, under such notions as the protection of privacy, human dignity, and individual liberty in the discourse of policymakers in Western democratic states. Nevertheless, in practice, particularly in recent years, with the expansion of the security-oriented society and the adoption of increasingly intrusive strategies, these rights and freedoms have been significantly eroded.

By contrast, Islamic teachings abound with principles emphasizing respect for human dignity and personal privacy within the domain of proactive preventive measures, even prescribing penalties for their violation. This article seeks to elucidate, through a comparative analysis of Islamic criminal policy and that of Western governments, the extent to which the right to crime prevention is upheld within proactive preventive strategies.

Keywords: Crime Prevention Law, Islam Criminal Policy, Democratic Criminal Policy Model, Human Dignity, Privacy.



حقوق پیشگیری از جرم در سیاست جنایی اسلام و غرب*

سهیلا ابراهیمزاده^۱، شهرداد دارابی^۲

^۱استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: E-mail: soheila.ebrahimzade@iau.ir

^۲دانشیار، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: E-mail: shahrdad.darabi@yahoo.com

چکیده

حقوق پیشگیری از جرم که غرض از آن رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و تعیین حدود و ثغور ورود به حریم زندگی افراد در اجرای راهبردهای کنشی پیشگیرانه است، اگرچه تحت عناوینی همچون حمایت از حریم خصوصی، کرامت و آزادی انسان‌ها در گفتمان متولیان دولت‌های مردم‌سالار غربی مورد حمایت بوده است، اما در عمل و به‌ویژه در سال‌های اخیر با گسترش جامعه‌ی امنیتی و اتخاذ راهبردهای پیش‌رونده در حقوق و آزادی‌های افراد، به محاق رفته است. این در حالی است که آموزه‌های اسلامی سرشار از تعالیمی است که در حوزه‌ی تدابیر پیشگیری کنشی بر رعایت کرامت افراد و حریم خصوصی آنان تأکید نموده و عقوبت‌هایی را برای ناقضین آن بیان نموده است. در این نوشتار سعی شده است با بررسی تطبیقی سیاست جنایی اسلام و سیاست جنایی دولت‌های غربی، میزان پایبندی به حقوق پیشگیری از جرم در راهبردهای کنشی پیشگیرانه تبیین شود.

واژگان کلیدی: حقوق پیشگیری از جرم، سیاست جنایی اسلام، مدل مردم‌سالار سیاست جنایی، کرامت انسانی، حریم خصوصی.

مقدمه

سیاست جنایی به‌عنوان مجموعه تدابیری که بدنه‌ی اجتماع در مقابله با بزهکاری به کار می‌بندد در هر مکتب یا کشوری از نظر اولویت‌بخشی به مسئله‌ی امنیت، برابری و آزادی متفاوت است؛ نظام‌های سیاسی بر اساس جهان‌بینی و رویکرد ارزشی بنا نهاده شده‌ی خود، ساختارهای متناسب در قالب سیاست جنایی را بنا می‌نهند.

سیاست جنایی اسلام در اتخاذ راهکارهای غیرکیفری اجتماعی و وضعی علاوه بر صیانت از کرامت انسانی به ابعاد دیگر انسان‌ها نیز توجه داشته است. از این رو امام صادق (ع) فرموده‌اند: «سه چیز است که همه‌ی انسان‌ها بدان نیازمندند: امنیت، عدالت و رفاه».

از آنجا که ارزش غالب در سیاست جنایی دولت‌های مردم‌سالار، آزادی و در نظر داشتن اصل قانونمندی جرم و مجازات است، در عرصه‌ی پیشگیری از جرم نیز تمسک به تدابیر پیشگیرانه‌ی ایجابی-اقتناعی با رعایت حمایت نسبتاً قوی از حقوق پیشگیری، راهبرد اصلی محسوب می‌شود.

داعیه‌ی متولیان سیاست جنایی کشورهای مردم‌سالار آن است که آزادی افراد تا جایی که به منافع عمومی جامعه آسیبی وارد نسازد از تضییق مصون می‌ماند و معمولاً کنشگران عرصه‌ی پیشگیری از جرم، پیشگیری را به‌عنوان هدفی که هر وسیله‌ای را توجیه کند، در دستور کار خویش قرار نمی‌دهند. بنابراین دولتمردان این کشورها تلاش می‌کنند تا در دوران و تراحم میان رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و مصالح یا منافع دولتی، موازنه‌ی نسبی برقرار کنند و آموزه‌های حقوق بشری را در این میان مدنظر خویش قرار دهند. با این حال کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی نیز به‌صورت مقطعی، مرزهای مدل اقتدارگرایی سیاست جنایی را درنور دیده‌اند و با هم‌گرایی نسبی در اتخاذ گونه‌های پیش‌رونده در حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و حذف برخی تدابیر پیشگیرانه‌ی انسان‌مدار، پارادایم امنیت در آزادی را به راهبرد آزادی در امنیت تغییر داده‌اند؛ آن‌گونه که گرایش به پیشگیری موقعیت‌مدار به‌عنوان مهم‌ترین چالش فراوری مدل سیاست جنایی محسوب شده و حق بر تأمین و آزادی‌های مردم در برابر نهادهای دولتی قربانی می‌شود. به‌طور قطع راهبرد دولت‌ها نسبت به طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و سیاست‌های کنترل جرم یکسان نیست؛ نوع نگاه هیئت حاکمه، منابع حقوق، بهره‌مندی از آموزه‌های دینی و غیردینی و بافت سیاسی تشکیل‌دهنده‌ی جوامع، متضمن شیوه‌ها و گونه‌های گوناگون پیشگیری از جرم، اعم از کنشی یا واکنشی است.

بدین ترتیب، حقوق پیشگیری، منبع عمده‌ی راهبرد کنشی سیاست جنایی محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: الف: ۱۰) و اساسی‌سازی حقوق پیشگیری، یکی از تأثیرگذارترین رهیافت‌ها در راستای ظهور و توسعه‌ی نهضت صیانت از حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان در برابر قدرت عمومی است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۹۸۸).

مطالعه‌ی حقوق پیشگیری از جرم در سیاست جنایی اسلام و غرب موضوع نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد. هدف از این نوشتار، پژوهشی تطبیقی پیرامون جایگاه حقوق پیشگیری از جرم در سیاست جنایی اسلام و منابع شرع مقدس

از یک سو، با مدل مردم‌سالار سیاست جنایی - با رویکردی به حقوق کشورهای نظیر فرانسه، بلژیک و آمریکا به‌عنوان داعیه‌داران مردم‌سالاری و حمایت از حقوق انسان‌ها - از دیگر سو است که با رعایت روش توصیفی و تحلیلی به واکاوی منابع قرآنی، روایی و قانونی در خصوص موضوع می‌پردازد.

۱. حقوق پیشگیری از جرم در آموزه‌های دین مبین اسلام

اسلام به‌عنوان یک مکتب، در سیاست جنایی خود علاوه بر پرداختن به اقدامات واکنشی و کیفری در راستای مقابله با جرائم، برای اقدامات کنشی پیشگیرانه نیز اهمیت ویژه‌ای قائل بوده و در واقع استراتژی اصلی و اولیه خود را بر سیاست‌های غیرکیفری بنا نهاده و تدابیر کیفری را به‌عنوان آخرین راهکار مقابله با مجرمان در نظر گرفته است. چنانکه پیامبر اسلام (ص) فرموده‌اند: «تا آنجا که می‌توانید مجازات‌ها را از مسلمین دفع کنید»^۱ (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۷: ج ۱۲، صص ۴۱۶-۴۱۷). امیرالمؤمنین علی (ع) نیز پس از بیعت مردم با ایشان و تقاضای گروهی از صحابه برای به کیفر رساندن شورشیان بر ضد عثمان ضمن فراخوان آنان به حفظ آرامش می‌فرماید: «به‌زودی این مسئله را با مدارا حل می‌کنم تا وقتی که مدارا ممکن باشد و هرگاه چاره‌ای نیابم آخرین دوا داغ نهادن است»^۲ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۸).

در سیاست جنایی اسلام سه مرحله برای مبارزه علیه بزهکاری وجود دارد که مکمل یکدیگرند و عبارت‌اند از: مرحله‌ی اول قبل از تصمیم قطعی به ارتکاب جرم؛ سیاست جنایی در این مرحله با تدابیر اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی به دنبال ایجاد جامعه‌ای سالم است به‌صورتی که تصمیم به ارتکاب جرم در ذهن افراد شکل نگیرد. مرحله‌ی دوم پس از تصمیم قطعی فرد به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه است؛ چنانچه شیوه‌های مرحله‌ی اول مؤثر واقع نشد راه‌حلی به‌کار گرفته می‌شود تا شخص مصمم نتواند تصمیم خود را عملی کند. در این مرحله باید شیوه‌هایی به‌کار گرفته شود که وقوع عمل مجرمانه را دشوار و یا ناممکن سازد. مرحله‌ی سوم مربوط به پس از اجرای هدف مجرمانه و تحقق بزهکاری است و به سزادهی و بازسازی مجرمین می‌پردازد.

بنابراین در آموزه‌های اسلامی راهکارهای پیشگیری اجتماعی و مقابله با ریشه‌های فساد، از طریق تربیت و فرهنگ‌سازی در اولویت قرار دارد (میرخلیلی، ۱۳۹۴: ۳۰۸).

چنانکه امیرالمؤمنین علی (ع) در خصوص پیشگیری رشد‌مدارانه و شتاب در تربیت فرزند پیش از سخت شدن دل، قلب نوجوان را به زمین کاشته‌نشده‌ای تشبیه کرده‌اند که آماده‌ی پذیرش هر بذری است که در آن پاشیده شود^۳

۱. ادرءوا الحدود عن المسلمین ما استطعتم.

۲. و سَأَمْسُكُ الْأَمْرَ مَا اسْتَمْسَكَ وَإِذَا لَمْ أَجِدْ بُدًّا فَآخِرُ الدَّوَاءِ الْكُیُّ.

۳. إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ.

(نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). ایمان و تقوا نیز به‌مثابه پلیس درونی، مؤثرترین راهکار پیشگیری کنشی از ارتکاب گناه و جرم شناخته شده است. امام علی (ع) در خطبه‌ی مشهور متقین (همام) در توصیف مؤمنان آورده‌اند «وَشُرُّهُمْ مَأْمُونَةٌ» یعنی مردم از آزارشان در امان هستند (همان، خطبه ۱۹۴). چرا که انسان مؤمن با اعتقاد به نظارت خداوند بر اعمال خویش^۱ (احزاب، ۴۵) و حکمت امتحانات الهی و اعتقاد به حیات اخروی و پاداش و عذاب وعده داده شده از جانب پروردگار^۲ (زلزال، ۷-۸) به مرحله‌ای از خودکنترلی می‌رسد که بی‌هیچ اجباری و بدون نیاز به مداخلات موقعیت‌مدارانه، از ارتکاب اعمال انحرافی پرهیز می‌کند.

در کنار توجه به مباحث تربیتی فردمدارانه، توصیه و تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان راهکار کنشی جامعه‌ی جهت‌مقابل با عوامل جرم‌زای محیطی بخش دیگری از تدابیر پیشگیرانه‌ی آموزه‌های اسلامی را تشکیل می‌دهد. در مکتب فقهی گاهی از امر به معروف و نهی از منکر با عنوان دفاع اجتماعی در مقابل دفاع مشروع یاد شده است.

امام محمد باقر (ع) در خصوص تأثیر پیشگیری جامعه‌ی و مشارکت جامعه‌ی مدنی در ایجاد امنیت و آرامش فرموده‌اند که اجرای امر به معروف و نهی از منکر موجب امن شدن راه‌ها، رونق تجارت‌ها، حلال بودن کسب‌ها، آباد بودن زمین، گرفتن حق از دشمن‌ها و قوی‌تر شدن حکومت‌ها می‌شود (عابدزاده، ۱۳۹۸: ۱۸۸).

با این وجود مکتب اسلام از تدابیر کنشی موقعیت‌مدار نیز غافل نبوده و آموزه‌هایی در منابع اسلامی موجود است که به آنچه امروزه تحت عنوان پیشگیری وضعی یاد می‌شود بسیار نزدیک است. پیشگیری وضعی که به دنبال تغییر وضعیت پیش‌جناپی از طریق کاهش جذابیت آماج‌ها یا دشوارسازی ارتکاب جرم، جهت منصرف کردن بزهکار بالقوه از تصمیم خود است، با تعبیری نظیر دفع منکر، سد ذرایع و حرمت مقدمه‌ی حرام، در منابع فقهی قرابت دارد.

به‌طور مثال به نظر مرحوم خوئی معنای دفع منکر، ناتوان کردن مرتکب از انجام عمل مجرمانه در خارج است؛ خواه به اختیار خود دست از عمل مجرمانه بکشد یا نتواند آن را انجام دهد^۳ (خوئی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۸۱) و به نظر امام خمینی (ره) اگر پیشگیری از جرم متوقف به ورود به منزل یا ملک مجرم و یا تصرف در اموال وی؛ مانند محل سکونت و زندگی او باشد، جایز است در صورتی که جرم در حال وقوع از امور مهمی باشد که خداوند به هیچ‌وجه راضی به انجام آن نیست نظیر قتل نفس. و نیز بیان داشته‌اند که نزدیک‌تر به قواعد فقهی آن است که دفع منکر و بازداشتن از کاری که منشأ فساد باشد واجب است (به نقل از میرخلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۳). بنابراین دفع منکر صرفاً

۱. إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفَوْهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا.

۲. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.

۳. أَنْ دَفَعَ الْمُنْكَرَ إِنَّمَا يَجِبُ إِذَا كَانَ الْمُنْكَرُ مِمَّا اهْتَمَّ الشَّارِعُ بِعَدَمِ وَقُوعِهِ كَقَتْلِ النَّفْسِ الْمُحْتَرَمَةِ، وَهَتِكِ الْأَعْرَاضِ الْمُحْتَرَمَةِ، وَنَهَبِ الْأَمْوَالِ الْمُحْتَرَمَةِ... فَإِنَّ مَعْنَى دَفْعِ الْمُنْكَرِ هُوَ تَعْجِيزُ فَاعِلِهِ عَنِ الْإِثْمَانِ بِهِ وَإِيجَادُهُ فِي الْخَارِجِ سِوَاءِ ارْتِدَاعِهِ عَنْهٗ بِاخْتِيَارِهِ أَمْ لَمْ يَرْتَدَّ وَتَنْهَى. عَنِ الْمُنْكَرِ لَيْسَ إِلَّا رَدْعُ الْفَاعِلِ وَزَجْرُهُ عَنْهُ عَلَى مَرَاتِبِهِ الْمُقَرَّرَةِ فِي شَرِيعَةِ الْمُقَدَّسَةِ.

مربوط به زمان قبل از وقوع منکر بوده، به معنای عاجز کردن و ناتوان ساختن فاعل پیش از ارتکاب منکر است و به وظیفه‌ی مسلمانان در جلوگیری از تحقق بزه اشاره می‌کند.

سد ذرایع نیز بنابر قول برخی فقهای اهل سنت ممنوع کردن یک امر مجاز است تا وسیله‌ی ارتکاب امر غیرمجاز دیگری قرار نگیرد و در فقه امامیه حرمت مقدمه‌ی حرام به این معنا نزدیک است. مقدمه‌ی حرام همان امری است که برای تحقق عمل حرام لازم است ابتدا واقع شود. لذا خرید و فروش کاغذ اگرچه به خودی خود حرام نیست چنانچه به قصد تهیه‌ی کتب ضاله باشد، حرام خواهد بود.

در روایتی از امام صادق (ع) در خصوص پیشگیری وضعی که منجر به ناتوان ساختن فاعل از ارتکاب جرم برخلاف میل و اراده‌ی اوست آمده است فردی که از تمایل مادرش به رابطه‌ی نامشروع، به پیامبر اکرم (ص) اطلاع می‌دهد و ایشان می‌فرماید که مادرت را حبس کن و چون آن مرد می‌گوید از حبس نتیجه‌ای حاصل نشده پیامبر (ص) می‌فرماید مادرت را با بند مقید کن زیرا بهترین کاری که در حق مادرت می‌توانی انجام دهی منع کردن وی از ارتکاب محرمات است^۱ (حرعاملی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۸، صص ۴۱۴-۴۱۵). بنابراین سیاست جنایی اسلام علاوه بر توجه به مقابله با ریشه‌های فساد و پیشگیری اجتماعی، از برخوردهای کنشی موقعیت‌مدار نیز غافل نبوده است و در جایی که ظرفیت جنایی بالایی در فرد وجود داشته باشد به طوری که حالت خطرناک خود را آشکار سازد، تدابیر محدودکننده‌ی آزادی در راستای پیشگیری وضعی پذیرفته شده است.

در خصوص نقش شرایط پیش‌جنایی در تحقق جرائم، پیامبر گرامی اسلام (ص) در روایتی در مورد حرمت شرب خمر به جز شارب آن، نه گروه دیگر از اعضای جامعه را هم که پیش از ارتکاب فعل حرام در ایجاد شرایط تحقق گناه یا همان شرایط پیش‌جنایی نقش داشته‌اند لعن نموده‌اند^۲ (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۴: ج ۱۱، ص ۴۷).

همچنین در خصوص نقش بزه‌دیده و سبک زندگی وی در پیشگیری وضعی از بزه‌دیده واقع شدن خداوند متعال چنین می‌فرماید: «ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه آن‌ها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت (هوس‌رانان) آزار نکشند بسیار نزدیک‌تر است و خدا (در حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است» (احزاب، ۵۹).

اکنون با توجه به اهمیت شأن و کرامت ذاتی انسانی و تهدیدی که اقدامات کنشی وضعی با پیشروی در فضای آزاد می‌تواند برای حقوق بنیادین افراد بشر به وجود بیاورد، در ادامه سیاست جنایی اسلام، در به‌کارگیری تدابیر کنشی

۱. جاء رجل إلى رسول الله (ص) فقال: إن أُمِّي لا تدفع يد لأمس فقال: فحبسها، قال: قد فعلت، قال: فامنع من يدخل عليها، قال: قد فعلت، قال: قيدها فانك لا تبرها بشيء أفضل من أن تمنعها من محارم الله عز وجل.

۲. لعن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في الخمر عشرة: غارسها وحارسها وعاصرها وشاربها وساقيتها وحاملها والمحمولة إليه و بايعها ومشتريها و آكل ثمنها.

پیشگیرانه از دو منظر میزان رعایت و اهمیت دادن به کرامت انسان‌ها و همچنین سهم پیشروی در حریم خصوصی آنان با استناد به آیات و روایات مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱. تأکید بر کرامت انسانی در تدابیر کنشی پیشگیرانه

احترام به کرامت انسانی که از حقوق بنیادین بشر بوده و امروزه حکومت‌ها در راهبردهای سیاست جنایی خود ملزم به حفظ و رعایت آن هستند سال‌ها پیش از آنکه در قالب اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد، در شریعت اسلام مورد حمایت قرار گرفته است. نوعی از کرامت، ذاتی و خدادادی است که شرافت انسان نسبت به سایر موجودات را نشان می‌دهد. نوع دیگر کرامت اکتسابی است که انسان با اعمال خود می‌تواند آن را کسب کند.

برخلاف دیدگاه مکتب اثباتی که گروهی از انسان‌ها را فاقد کرامت ذاتی دانسته و با تعابیری همچون مجرم مادرزاد و میکروب اجتماع از او یاد می‌کند، از نگاه آموزه‌های اسلامی خداوند به همه‌ی فرزندان حضرت آدم کرامت ذاتی بخشیده است (اسراء، ۷۰) و روح خدایی در آنان دمیده شده به همین دلیل مسجود ملائک قرار گرفته‌اند (حجر، ۲۹). پیامبر اسلام (ص) نیز هدف بعثت خود را رساندن افراد بشر از این کرامت ذاتی به درجات بالای کرامت اکتسابی بیان داشته‌اند^۱ و هیچ‌گاه کافر و مؤمن در دیدگاه اسلام از شأن و کرامت اکتسابی برابر برخوردار نخواهند بود. چنانکه امام صادق (ع) جایگاه و حرمت مؤمن را از کعبه بالاتر دانسته‌اند^۲. بنابراین افراد حتی اگر مسلمان نباشند دارای کرامت ذاتی هستند.

در متون اسلامی جلوه‌های مهمی از این حق به تصویر کشیده شده است که در رأس آن‌ها رحمت است. همان‌طور که رحمت الهی بر همه‌ی موجودات و به‌ویژه انسان‌ها سایه گسترده است، حاکم اسلام نیز باید مظهر رحمت الهی و حافظ کرامت انسانی و مقام و منزلت افراد جامعه باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

از این رو امام علی (ع) خطاب به والی مصر می‌فرماید: «مهربانی با مردم را پوشش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش... زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادران دینی تو و دسته‌ی دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند»^۳ (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). بنابراین در فقه اسلامی احترام به جان و مال افراد، تنها شامل جان مسلمانان نمی‌گردد بلکه شامل آن دسته از اهل ذمه نیز می‌شود که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند. براساس موازین فقهی حتی نمی‌توان

۱. اِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ.

۲. اَلْمُؤْمِنُ اَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ اَلْكَعْبَةِ.

۳. وَ اَشْعَرُ قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لِلرَّعِيَّةِ وَ الْمَحَبَّةُ لَهُمْ وَ اللَّطْفُ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ اَكْلَهُمْ، فَاِنَّهُمْ صِنْفَانِ: اِمَّا اَخُ لَكَ فِي الدِّينِ وَ اِمَّا نَظِيرُ لَكَ فِي الْخَلْقِ.

متعرض اموال غیرمسلمانان گردید و در صورتی که کسی خوک یا شراب کافر ذمی را معدوم نماید، در قبال آن ضامن خواهد بود^۱ (محقق کرکی، ۱۴۰۸: ج ۱۰، ص ۳۹).

علاوه بر مال و جان، آبروی افراد نیز دارای احترام است؛ کسی نمی‌تواند به‌استثنای مواردی که شریعت تعیین نموده است، متعرض آبروی خود یا دیگران شود. اسلام، علاوه بر حفظ آبروی مسلمانان، نسبت به غیرمسلمانان نیز توصیه فرموده است و به کسی اجازه نمی‌دهد که فردی از آنان را مورد دشنام و تمسخر قرار دهد: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آن‌ها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند» (حجرات، ۱۱).

از سوی دیگر بر اساس قاعده‌ی «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» به‌عنوان یک قاعده‌ی فقهی عام که به‌منظور حفظ حقوق همه‌ی انسان‌ها و تنظیم روابط اجتماعی و جلوگیری از اخلال در نظم جامعه تشریع شده است، ضرر رساندن به کرامت انسان‌ها نیز ممنوع است.

درمورد معنای ضرر و ضرار نظرات مختلفی بین فقها مطرح شده است. به‌طور مثال از نظر امام خمینی (ره) از حدیث لا ضرر دو نکته استفاده می‌شود: ۱. تحریم آسیب مالی و جانی به دیگران؛ ۲. ممنوعیت ایجاد فشارهای روحی و به‌وجود آوردن تنگنا و سختی برای دیگران؛ و اینکه در مورد زیان‌های مادی واژه‌ی «ضرر» و در مورد زیان‌های معنوی واژه‌ی «ضرار» استعمال می‌شود. از نظر شهید صدر، ضرر در معنای نقص، یا در نفس است یا در مال و یا در آبرو و در مورد آبرو باید با تعبیری عام‌تر استفاده کنیم و آن کرامت و آبرو است. بنابراین هرگونه کاستی در هر کدام از این موارد (جان، مال، آبرو و کرامت) پیش بیاید بدون هیچ اشکالی ضرر محسوب می‌شود (غفوری چرخابی و قدرتی، ۱۳۹۷: ۲۸۹).

در مجموع می‌توان گفت هرچند در مورد نفس و مال کلمه‌ی «ضرر» استعمال شایع‌تری دارد و در مورد فقدان احترام و حفظ آبرو کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، قاعده‌ی فوق هم جنبه‌ی مادی و هم جنبه‌ی معنوی زیان‌های وارده را در بر می‌گیرد.

بنابراین با توجه به اهمیت و تأکید بر کرامت انسانی در آموزه‌های اسلامی که شامل صیانت از جان، مال و آبروی افراد می‌شود و بر اساس قاعده‌ی فقهی لا ضرر؛ احترام به جان و مال و آبروی افراد در تدابیر پیشگیرانه‌ی کنشی لازم می‌آید. چراکه ضرر در این قاعده هم ضرر مادی و هم ضرر معنوی را شامل می‌شود و خدشه‌دار کردن حیثیت و

۱. الجاریه علی الخمر و الخنزیر و منع من غضبها و إتلافها، و نوجب علی مسلم ردها و ضمان القیمه عندهم.

کرامت انسان‌ها در راستای پیشگیری کنشی از جرم با قاعده‌ی لاضرر منافات داشته و مورد تأیید شریعت اسلام نخواهد بود.

۲-۱. تأکید بر تعیین حدود و ثغور پیشروی در حریم خصوصی افراد

احترام به حریم خصوصی افراد اعم از حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی مکانی، حریم خصوصی اطلاعات و ارتباطات؛ از جمله مصادیق حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود که انتظار می‌رود دولت‌ها در تدابیر سیاست جنایی خود بر رعایت آن اهتمام ویژه داشته باشند. اگرچه این مهم در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مورد حمایت واقع شده است، پرداختن به موضوع حریم خصوصی قدمتی بیش از این داشته و پیش از آنکه از سوی جوامع غربی مورد توجه قرار بگیرد در سیاست جنایی اسلام قویاً مورد حمایت قرار گرفته است.

در آموزه‌های اسلامی که برگرفته از قرآن و سیره‌ی رسول‌الله (ص) و اهل بیت (ع) است حفظ حریم خصوصی اشخاص هم مسئولیت تک‌تک افراد جامعه و هم مسئولیت زمامداران دولت اسلامی است و نقض این حریم علاوه بر جزای اخروی کیفر دنیوی نیز به همراه خواهد داشت. در این خصوص آیات و روایات فراوانی موجود است. تحریم صریح ورود بدون اجازه به منازل و خلوتگاه افراد در کلام‌الله، از آشکارترین نمونه‌های حمایت مکتب اسلام از حریم خصوصی افراد است هنگامی که خداوند متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه‌ای مگر خانه‌های خودتان تا با صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید، و چون (به خانه‌ای درآمدید و) گفتند: برگردید، به‌زودی بازگردید که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، و خدا به هر چه می‌کنید داناست» (نور، ۲۷-۲۸). بنابراین ورود به حریم خصوصی افراد موقوف به استیناس و معرفی خود به اهل منزل و استیذان و کسب اجازه از صاحب‌خانه شده است. این موضوع در سوره‌ی بقره نیز به این نحو بیان گشته است که: «کار نیک، آن نیست که از پشت خانه‌ها وارد شوید (آنچنان که در جاهلیت در حال احرام مرسوم بود)؛ بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید. و از در خانه‌ها وارد شوید و تقوا پیشه کنید، تا رستگار گردید» (بقره، ۱۸۹).

همچنان که سیره‌ی پیامبر اسلام (ص) آن بود که حتی برای ورود به منزل دختر خود، حضرت فاطمه (س)، هیچ‌گاه بدون سلام و کسب اجازه اقدام نمی‌کردند (خواجهمیری، ۱۳۹۶: ۱۹۸).

ممنوعیت تجسس در زندگی دیگران نیز از مهم‌ترین موضوعاتی است که در راستای حمایت از حریم خصوصی افراد در قرآن آمده است چنانکه خداوند متعال می‌فرماید: «ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب

کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید» (حجرات، ۱۲). بنابراین خداوند مردم را از هرگونه کنجکاوی در امور پنهانی و زندگی شخصی افراد منع کرده است.

امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر که به عهدنامه‌ی مالک مشهور است می‌فرماید: «از رعیت آنان را که عیب‌جو ترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر هر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است»^۱ (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). امام صادق (ع) به نقل از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «درباره‌ی لغزش‌های مؤمنین تجسس و جست‌وجو نکنید، چون هرکس لغزش‌های برادران مؤمن خود را پی‌جویی و تجسس کند، خداوند نیز لغزش‌های وی را پی‌جویی خواهد کرد و او را بی‌آبرو و رسوا خواهد ساخت هرچند که درون خانه‌اش باشد»^۲ (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۳۷۹).

اهمیت مسئله‌ی تجسس به آن دلیل است که جست‌وجو در زندگی خصوصی دیگران و یافتن و برملا کردن عیوب آنها، موجب بی‌آبرو شدن فرد در جامعه و تخریب شخصیت یک انسان است. از این رو در آیه‌ی مذکور ممنوعیت تجسس به‌طور مطلق ذکر شده است. تجسس در حریم شخصی افراد، گاه به‌صورت استراق سمع یا استراق بصر است. استراق از مصدر سرقت و در اصطلاح به‌معنای کاری را پنهانی و دزدانه انجام دادن است.

استراق سمع و بصر به‌موجب آموزه‌های اسلامی حرام است و قبح و زشتی آن تا حدی است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «برای هر عضوی از آدمی سهمی از زنا است؛ زنا ی چشم، نگاه کردن، زنا ی پا راه رفتن و زنا ی گوش‌ها شنیدن است»^۳ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸: ج ۱، صص ۵۵۴-۵۵۵). بنابراین گوش دادن و نگاه کردن حرام، هم می‌تواند مصداقی از بی‌عفتی و هم مصداقی از تجسس باشد که هر دو حالت آن به‌موجب شریعت اسلام حرام است. همچنین ایشان در خصوص عذاب اخروی استراق سمع فرموده‌اند: «کسی که به سخنان قومی گوش دهد در حالی که آنان راضی نیستند، در قیامت به گوش او سرب گذاخته ریخته می‌شود»^۴ (حویزی، ۱۴۱۵: ج ۵، ص ۹۳).

امام صادق (ع) نیز در مورد تحریم و کیفر استراق سمع فرموده‌اند: «سه کس در قیامت شکنجه شوند... کسی که گفتگوی مردمی را بشنود در حالی که شنیدن او را بد دانند، در گوشش سرب گذاخته ریزند و در حدیث دیگری پیامبر گفت در گوش چنین کس قلع گذاخته ریزند»^۵ (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۲: ۹۷۳).

خداوند در خصوص استراق بصر خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «خداوند از خیانت چشم‌ها و آنچه دل‌ها مخفی می‌کنند، آگاه است» (غافر، ۱۹). مراد از این آیه، گناهانی است که برای دیگران آشکار نباشد و از آنان پوشیده باشد.

۱. وَلْيَكُنْ أَبَعْدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ، وَأَشْتَوْهُمْ عِنْدَكَ أَطْلَبُهُمْ لِمَعَائِبِ النَّاسِ؛ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقَّ مِنْ سَتَرِهَا.

۲. لَا تَطْلُبُوا عَثَرَاتِ الْمُؤْمِنِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ تَبَعَ عَثَرَاتِ أَخِيهِ، تَبَعَ عَثَرَاتِ اللَّهِ عَثَرَاتِهِ، وَمَنْ تَبَعَ اللَّهُ عَثَرَاتِهِ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِي جُوفِ بَيْتِهِ.

۳. عَلَى كُلِّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ كُتِبَ حَقٌّ مِنَ الزُّنَا أَدْرَكَ ذَلِكَ لَا مُحَالَةً، فَالْعَيْنُ زَنَاها النَّظَرُ، وَالرَّجُلُ زَنَاها الْمَشْيُ، وَالْأُذُنُ زَنَاها الْإِسْتِمَاعُ.

۴. وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ سَفِيَانُ الْأَنْكُ هُوَ الرَّصَاصُ.

۵. ثَلَاثَةٌ يَعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ... وَالْمُسْتَمِعُ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَهُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِي أُذُنِهِ الْأَنْكُ وَهُوَ الْأَسْرَبُ.

خیانت چشم‌ها موارد مختلفی دارد: نگاه‌های مخفیانه و استراق بصر نسبت به زنان، اشاراتی با چشم به‌منظور تحقیر یا عیب‌جویی از دیگران، اشاراتی که مقدمه‌ی توطئه‌ها و نقشه‌های شیطانی است، نگاه برای تشویق به فساد و نگاه‌های تجسس‌گرانه در زندگی مردم.

از امام صادق (ع) درباره‌ی آیه‌ی (يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ) پرسیدند، حضرت فرمود: «یعنی آیا ندیده‌ای که گاهی شخصی چیزی را طوری نگاه می‌کند که گویا به آن نظر نمی‌کند! این است خیانت چشم‌ها»^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۷: ج ۱، ص ۳۳۵). همچنین پیامبر اکرم (ص) در خصوص حرمت استراق بصر فرموده‌اند: «هر کس به نوشته‌ی برادر دینی‌اش بدون اذن او نگاه کند، گویی به آتش نگاه می‌کند»^۲ (نوری، ۱۴۰۸: ج ۹، ص ۱۵۹).

با توجه به آیات و روایات فوق مشخص می‌گردد که ابعاد خصوصی زندگی انسان‌ها به‌شدت مورد حمایت مکتب اسلام بوده و نقض این حریم با ضمانت اجراهای اخروی و دنیوی همراه است. با این وجود سهمی از پیشروی در حریم خصوصی افراد بر مبنای عقلانیت و منطق مورد حمایت قرار گرفته است چرا که بر اساس مبانی اسلامی احکام تابع مصالح و مفاسد بوده و علت ممنوعیت نقض حریم خصوصی، مصلحت رعایت حق خلوت و آزادی، حفظ آبرو و هویت اجتماعی و احترام به کرامت افراد است. با این حال در برخی موارد به دلیل وجود مصلحت‌های مهم‌تر فردی یا اجتماعی و از باب تراحم، حکمی که اهمیت بیشتری دارد مقدم می‌شود و به عبارتی، پیشروی در حریم خصوصی افراد به جهت حفظ آن مصالح مجاز دانسته می‌شود. در همین خصوص روایتی از امام صادق (ع) است که تجسس از آنچه غرض عقلایی بر آن بار نباشد را از مصادیق جهل می‌داند: «نادانی در سه چیز است: دوست عوض کردن، مخالفت کردن بدون دلیل و برهان، و پرس‌وجو از چیزهای بیهوده»^۳ (محمدری شهری، ۱۳۸۸: ج ۱، صص ۲۷۶-۲۷۷).

از منظر فقه اسلامی جاسوسی علیه مخالفان و دشمنان حکومت اسلامی و نیز مراقبت و زیر نظر داشتن اعمال مأموران و کارگزاران حکومتی به دلیل وجود غرض عقلایی و منفعت اجتماعی آن مشروع و مورد تأکید است. البته به‌موجب آیه‌ی شریف (مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ) (فتح، ۲۹) نحوه‌ی تجسس کردن در موارد مختلف باید متفاوت باشد به‌طوری که تجسس درباره‌ی کفار با سخت‌گیری و تند و تجسس از مأموران حکومتی با ملاطفت و ملایمت همراه باشد.

به‌طور مثال امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه‌ی خود به مالک اشتر نخعی که به فرمانداری مصر برگزیده شده بود در خصوص مراقبت و کنترل پنهانی اعمال کارگزاران دولتی می‌فرماید: «سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و

۱. أَلَمْ تَرَ الرَّجُلَ يَنْظُرُ إِلَى الشَّيْءِ وَكَأَنَّهُ لَا يَنْظُرُ فَذَلِكَ خَائِنَةُ الْأَعْيُنِ.

۲. مِنْ نَظَرٍ فِي كِتَابِ أَخِيهِ بَغِيرِ إِذْنِهِ، فَكَأَنَّمَا يَنْظُرُ فِي النَّارِ.

۳. الْجَهْلُ فِي ثَلَاثٍ: فِي تَبَدُّلِ الْإِخْوَانِ، وَالْمُنَابَذَةِ بَغَيْرِ بَيَانٍ، وَالتَّجَسُّسِ عَمَّا لَا يَنْبَغِي.

جاسوسانی راستگو، و وفایش بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانتکار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن»^۱ (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

همچنین به گواهی تاریخ پیامبر در جنگ‌های خود افرادی را برای جاسوسی از دشمن مأمور می‌کردند. برای مثال در مورد جنگ احد آورده شده است که چون قریش صبح روز پنجشنبه در دهمین روز خروج از مکه به ذی‌الحلیفه رسیدند ابوسفیان همراه اسب‌سواران بیرون آمد و آن‌ها را در وطاء فرود آورد. پیامبر (ص) هم شب پنجشنبه دو جاسوس به نام انیس و مونس که پسران فضاله بودند را به سوی قریش روانه کرده بود. آن دو در عقیق به قریش برخوردند و همراه ایشان حرکت کردند و هنگامی که قریش در وطاء فرود آمدند آن‌ها خود را به پیامبر رسانده و ایشان را باخبر کردند (واقدی، ۱۳۶۱: ج ۱، ص ۱۵۰).

در واقعه‌ی فتح مکه توسط رسول‌الله (ص) نیز، هنگامی که زن جاسوسی در مدینه از طرف حاطب بن ابی‌بلتعه مأمور شد تا نامه‌ی وی را به دست برخی اهالی مکه رسانده و آنان را پیش از رسیدن پیامبر از ماجرا آگاه سازد، در میان راه امیرالمؤمنین (ع) مانع وی شد و نامه را طلب کرد و چون آن زن که نامه را در بافه‌ی موهای خود مخفی کرده بود ممانعت و انکار کرد حضرت فرمود: «سوگند به خدا اگر نامه را تسلیم نکنی سرت را عریان کرده نامه را می‌گیرم و گردنت را می‌زنم»^۲ (مفید، ۱۳۷۲: ج ۱، ص ۵۷). بنابراین ملاحظه می‌شود که به دلیل جلوگیری از ضربه به لشکر پیامبر اسلام (ص)، تفتیش و گرفتن حجاب از سر زن جاسوس که نقض حریم خصوصی جسمانی است مجاز دانسته شده است.

در کل مواردی که ممنوعیت مداخله در امور دیگران استثنا شده بسیار محدود و به دلیل ضرورت‌های اجتماعی، نظیر جمع‌آوری ادله‌ای که برای جلوگیری از پایمال شدن حقوق افراد ضرورت دارد و جاسوسی در زمان جنگ آن‌گونه که اشاره شد است. بنابراین می‌توان گفت هرچند حق حریم خصوصی و خلوت در آموزه‌های اسلامی مورد توجه و حمایت قرار گرفته است، ارزش‌ها و حقوق دیگری نیز در شریعت اسلام وجود دارد که در صورت تراحم بین آن‌ها و حق آزادی و حریم خصوصی با توجه به عنصر مصلحت، ارزش ارجح مشخص می‌شود.

۱. ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ، وَأَبْعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ تَعَاهَدَكَ فِي السِّرِّ لَأَمُورَهُمْ حَدُودَ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ، وَالرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ. وَتَحَفَّظْ مِنَ الْأَعْوَانِ، فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَتِهِ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عُنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا، فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ، وَقَلَدْتَهُ عَارَ التَّهْمَةِ.

۲. أَمَّا وَاللَّهِ لَئِنْ لَمْ تُخْرِجِي الْكِتَابَ لَا كَشِفْنَاكَ ثُمَّ لَأَضْرِبَنَّ عُنُقَكَ.

۲. هنجارمندسازی تدابیر پیشگیری از جرم در سیاست جنایی غرب

از منظر جرم‌شناسی پیشگیرانه، اقدامات کنشی غیرقهرآمیز و بیرون از دامنه‌ی نظام کیفری، به مثابه ابزاری است که دولت را در رسیدن به هدف والای مهار بزهکاری بدون توسل به سرکوبگری و سزادهی یاری می‌رساند. باری آنچه تحت لوای پیشگیری غیرکیفری، چه در وجه فردمدارانه و چه در وجه موقعیت‌مدارانه‌ی آن به کار گرفته می‌شود خود بی‌نیاز از هنجارمند شدن نیست، چرا که در غیر این صورت هدف والای پیشگیری عاری از سرکوبگری، به کارگیری هر نوع ابزار کنشی را توجیه کرده و آنچه انتظار می‌رفت ارمغان‌آور صلاح جوامع باشد با زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین افراد جامعه خود مفسده‌آفرین خواهد شد.

خطر نقض این مسلمات حقوقی که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد حمایت قرار گرفته و دو نسل ابتدایی حقوق بشر را شامل می‌شود، بر هر دو عرصه‌ی پیشگیری کنشی یعنی پیشگیری اجتماعی و پیشگیری وضعی، همواره سایه گسترده است هرچند این سایه‌ی خطر در عرصه‌ی پیشگیری وضعی آن‌گونه که در ادامه اشاره خواهیم کرد بسیار پررنگ‌تر است.

پیشگیری اجتماعی از بعد جامعه‌مدارانه یا محیطی با ابزارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال ارتقاء سطح زندگی مادی و معنوی افراد و زدودن عوامل جرم‌زای بیرونی همچون فقر و بی‌سوادی و بیکاری از بستر جامعه، در راستای کم کردن و مهار بزهکاری است و با تأمین نسل دوم حقوق بشر پیوند دارد اما گاه خود با حقوق بنیادین افراد در تعارض قرار می‌گیرد. در این نوع از پیشگیری مشروعیت حرفه‌ای کنشگران اجتماعی مانند مربیان، مددکاران و میانجیگران محل بحث است. در واقع درون‌مایه‌ی فعالیت این دسته شناور بین کنترل و مساعدت است نه اجتماعی محض (جندلی، ۱۳۹۵: ۶۷).

در بعد رشد‌مدارانه‌ی پیشگیری اجتماعی، پس از شناسایی عوامل خطر در سطح خانواده‌ها، رفتارها، محیط‌های تحصیلی و دوستان؛ با هدف جلوگیری از ریشه‌دار شدن اختلالات رفتاری و بهبود پایدار صلاحیت‌های اجتماعی اطفال و نوجوانانی که مستعد بزهکاری تشخیص داده شده‌اند از ابزار مداخله‌جویانه‌ی تربیتی، روانی و اجتماعی نظیر اجبار به شرکت در جلسات مشاوره‌ای، تربیتی و مهارت‌آموزی و برنامه‌های شکوفاکننده‌ی اعتماد به نفس و تقویت خودکنترلی برای فرزندان و همچنین برنامه‌های ناظر بر حمایت از والدین در تکالیف تربیتی-آموزشی به‌ویژه مادرها؛ جهت جامعه‌پذیر کردن افراد مستعد ارتکاب جرم و پیشگیری از بزهکاری آنان در آینده استفاده می‌شود.

به جهت ظرافت و حساسیت اخلاقی و حقوق بشری پیشگیری رشد‌مدار، رعایت حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی افراد مشمول مداخلات، اعم از اطفال و نوجوانان و دوستان و والدین آن‌ها در فرایند پیشگیری مورد تأکید

۱. به موجب ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: "خانواده یک واحد گروهی بنیادین و طبیعی جامعه است و شایسته می‌باشد که به وسیله‌ی جامعه و حکومت حفاظت گردد...".

قرار گرفته است. مواردی نظیر «اجتناب از انگ زنی و نشانه دار کردن آنان در جامعه و برانگیختن حس بدبینی اطرافیان نسبت به آنان، اجتناب از افشای خصوصیات و اسرار زندگی شخصی آنان، اجتناب از متلاشی شدن حیات خانوادگی و شغلی آنان، اجتناب از تجاوز به تمامیت جسمانی و معنوی آنان و به طور کلی، اجتناب از تجاوز به حقوق اساسی و حقوق مربوط به کرامت، حیثیت و منزلت انسانی هر یک از آنان» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۳: ۵۸۰) از دغدغه‌های جرم‌شناسان در امر پیشگیری رشدمدار می‌باشد.

این در حالی است که از جمله ایرادات وارده بر وجه رشدمدار پیشگیری اجتماعی تشدید مراقبت و کنترل اجتماعی، به حاشیه رانی افراد شناسایی شده‌ی مستعد ارتکاب جرم و خطر بازپدیدار شدن شبیح بزهکار بالفطره‌ی سزار لمبروزو بیان شده است (جندلی، ۱۳۹۵: ۷۰).

بنابراین اگرچه به موجب ماده‌ی ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر حمایت از خانواده تأکید شده اما به موجب ماده‌ی ۱۷ همین میثاق دخالت در زندگی خصوصی و خانوادگی افراد بدون مجوز قانونی و تعرض به حیثیت و آبروی افراد منع شده است.^۱ همچنین به موجب ماده‌ی ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر هیچ‌کس در زندگی خصوصی نباید مورد مداخله‌ی خودسرانه واقع شده و اسم و رسمش مورد حمله قرار گیرد.^۲ از این رو بین فرایند پیشگیری رشدمدار و حقوق بنیادین انسان‌ها مرز باریکی وجود دارد به‌طوری که مواردی نظیر مداخلات بیش از حد قانونی و لازم در زندگی خانوادگی افراد یا مخدوش نمودن غیرمستقیم وجهه‌ی اجتماعی آنان موجب عبور از این مرز و زیر پا گذاشتن حقوق آن‌ها خواهد شد.

پیشگیری کنشی موقعیت‌مدار بر مبنای دو نظریه‌ی انتخاب عقلانی و فعالیت‌های روزمره، با استفاده از ابزارهای سه‌گانه‌ی فنی، فناورانه و تغییر سبک زندگی، به دنبال تغییر موقعیت‌های پیش‌جنایی به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیم بزهکاران بالقوه است. این نوع پیشگیری که گونه‌های خاصی از جرائم را شامل می‌شود و بر مدیریت محیط استوار است از طریق افزایش ریسک ارتکاب جرم نظیر افزایش خطر شناسایی و دستگیری و کاهش منافع حاصل از ارتکاب آن اعمال می‌شود^۳ (Clark, 1997: 4) تا فرایند گذار از اندیشه به عمل را متوقف کرده و موجب انصراف افراد از ارتکاب جرم شود.

۱. به موجب ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی: "هیچ کس نباید در زندگی خصوصی، خانوادگی، خانه یا مکاتبات مورد دخالت خودسرانه یا خلاف قانون قرار گیرد. همچنین نباید شرافت و حیثیت او مورد تعرض غیر قانونی قرار گیرد".

۲. به موجب ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر: "احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخلات خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل اینگونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد".

3. Clark, R. V. (1997) Introduction, In R. V. Clark (Ed.), *Situational Crime Prevention: Successful case studies*, 2 ed., New York, Criminal justice press, p 4.

در مورد اصول اخلاقی‌ای که در پیشگیری از جرم باید رعایت گردد گفته شده است که باید احترام و پاسداشت حقوق و آزادی‌های فردی در این مسیر از نظر دور نماند (Felosen and Clark, 1997: 199).

از نظر تعارض‌های احتمالی بین انواع پیشگیری موقعیت‌مدار با حوزه‌ی آزادی‌ها و حریم خصوصی افراد؛ پیشگیری وضعی بر مبنای نظریه‌ی فعالیت‌های روزانه در واقع موجب نوعی خودسانسوری افراد جامعه می‌شود. مواردی نظیر تغییر سبک کار و زندگی، تغییر ساعات فعالیت‌های روزانه، خودداری از رفت‌وآمد به برخی محله‌ها، عدم استفاده از زیورآلات، گوشی‌ها و خودروهای گران‌قیمت، با آزادی‌های رفت‌وآمد و زندگی و کار آزادانه آن‌گونه که در ماده‌ی ۳ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر^۲ و ماده‌ی ۱۲ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۳ و بند یک ماده‌ی ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی آمده، سازگاری ندارد.

پیشگیری وضعی فنی که مواردی نظیر استفاده از قفل، نرده، نگهبان، تعمیر جاده‌ها و نصب پل‌های عابر پیاده را شامل می‌شود، بدون کمترین تداخل یا تنافی با آموزه‌های حقوق بشری صرفاً در راستای حراست از جان و مال افراد جامعه است (دارابی، ۱۳۹۶: ۱۳۴).

پیشگیری وضعی فناورانه، به کمک فناوری‌های نوین حاصل از پیشرفت دانش بشری در حوزه‌ی ارتباطات و اطلاعات، با محور قرار دادن مدیریت ریسک جرم و با استفاده از ابزارهایی نظیر دوربین‌های مداربسته، حسگرها، برچسب‌های الکترونیکی، شنود تماس‌ها، آژیرهای هشداردهنده، سیستم‌های موقعیت‌یابی جهانی (GPS)، تشکیل پرونده‌های بیومتریک، ثبت و ذخیره‌سازی اطلاعات مربوط به کارت‌های اعتباری و کارت‌های تلفن، ثبت اطلاعات DNA، ثبت اطلاعات مسافران توسط برخی شرکت‌های هواپیمایی (P.N.R)^۴ در بسیاری از کشورها رواج پیدا کرده است.

توانمندی سامانه‌های مراقبتی مدرن برای نظارت بر جابه‌جایی‌های داخلی و بین‌المللی، شخصی‌ترین سلیقه‌ی مصرف‌کنندگان و عادت‌های کاری و سرگرمی نامحدود است.

این سطح از پایش و مراقبت به نظر مردم محدودکننده، سرکوبگر و موجب ایجاد شرایط خفقان‌آور در جامعه است. به‌ویژه آنکه در سال‌های اخیر بهانه‌ی مبارزه با جرائم تروریستی دستاویزی برای تمامیت‌خواهی برخی دولت‌ها و

1. Felosen, M., and Clark, R. V. (1997) The Ethics of Situational Crime Prevention, In G. Newman, R. v. Clark, and S. Gorla Shoham (Eds.), Rational Choice and Situational Crime Prevention, Hants, Dartmouth Publishing Company Limited, p 199.

۲. به موجب ماده ۳ اعلامیه حقوق بشر: "هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد".

۳. به موجب ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: "۱- هرکس به طور قانونی باید در قلمرو کشور، حق رفت و آمد آزاد و انتخاب آزادانه محل اقامت خود را داشته باشد... ۳- حقوق یاد شده بالا نباید مشمول هیچ محدودیتی گردد، مگر آنکه برای حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران، ضروری بوده و به وسیله‌ی قانون مقرر شده و با دیگر حقوق شناخته شده در این میثاق سازگار باشد..."

4. passenger name record

استفاده‌ی حداکثری از ابزارهای فناورانه جهت نظارت و کنترل شدید زندگی و فعالیت مردم شده است، نظارتی که در موارد بسیاری با پیش‌دآوری و نابرابری همراه است.

«برای نمونه نوریس و آرمسترانگ دریافتند که کارمندان CCTV بیشتر دوربین‌ها را بالای سر مردان سیاه‌پوست قرار داده و اعمال و رفتار آن‌ها را تحت نظارت می‌گرفتند» (اوبراین و یار، ۱۳۹۴: ۲۱۷). امری که مبین نظارت حداکثری دولت بر شهروندان است.

براین ابتدا، اگرچه مهم‌ترین دلیل حضور قوه‌ی مجریه در عرصه‌ی پیشگیری حفظ نظم عمومی جامعه است (ساریخانی و سلطانی بهلولی، ۱۳۹۴: ۱۴۵) اما این مهم مستمسکی در راستای افزایش فضاهاى کنترل‌شده در غرب گردیده است.

بنابراین در پیشگیری وضعی فناورانه سوءاستفاده از ابزارها و انحراف از هدف اصلی محتمل است و بیش از انواع دیگر پیشگیری‌های کنشی، خطر نادیده گرفتن حریم شخصی و آزادی‌های افراد و زیر پا گذاشتن حقوق بنیادین وجود دارد. به‌ویژه آنکه مباحث امنیتی موجب به حاشیه رانده شدن این اصول و دامن زدن به نقض حقوق بشر می‌شود.

دغدغه‌ی هنجارمندسازی تدابیر پیشگیری از همین مهم نشأت می‌گیرد. چنانچه حد و مرزهای راهبردهای کنشی به‌موجب قوانین مدون و با ضمانت اجراهای لازم، به‌طور دقیق مشخص نگردد، به‌جای تحقق پیشگیری از فساد در جامعه، خود به ابزاری مفسده‌آفرین و ناقض حقوق و کرامت افراد بدل خواهند شد.

در ادامه به بررسی حقوق پیشگیری از جرم در نظام مردم‌سالار کشورهای غربی با رویکردی به سیاست جنایی فرانسه، بلژیک و آمریکا به‌عنوان برخی نمادهای مدعی مدل مردم‌سالاری در غرب خواهیم پرداخت.

۲-۱. لیبرال دموکراسی و پیشگیری حقوق بشرمدارانه از جرم

در عرصه‌ی پیشگیری از جرم، مدل‌های سه‌گانه‌ی سیاست جنایی دولت‌ها که خود نتیجه‌ی استراتژی‌های سه‌گانه‌ی آزادی‌محوری، مساوات‌محوری و اقتدارمحوری آنان است بازخوردهای متفاوتی را در مواجهه با حقوق بشر در پی داشته است.

آنجا که قدرت‌باوری با از میان برداشتن مرزهای هنجارمندی (normative) و بهنجاری (normality) و نادیده‌انگاری اصل قانونمندی، با پیشروی در حریم خصوصی اعضای جامعه، شعاع فضای آزاد را تا حد ممکن می‌کاهد؛ در تقابل آزادی و امنیت، این آزادی است که به نفع امنیت نظام سیاسی و نه حتی امنیت افراد قربانی خواهد شد. امنیت حکومت خود هدفی است که هر ابزاری را در پرتو قدرت‌باوری توجیه می‌کند. بنابراین در سیاست جنایی اقتدارگرایی فراگیر نادیده انگاشتن حقوق بنیادین انسان‌ها در عرصه‌ی پیشگیری کنشی نتیجه‌ی ناگزیر ایدئولوژی حاکم بر این رویکرد است.

در این مدل تدابیر واکنشی بر مبنای اقدامات قهرآمیزی نظیر سیاست تسامح صفر و سرکوبگری واکنشی توسط نهادهای پلیسی و قضایی اعمال می‌شود. آنچه از تدابیر کنشی مورد استقبال دولت‌ها قرار گرفته نیز راهبردهای پیشگیری وضعی بوده که نسبت به پیشگیری اجتماعی کم‌هزینه‌تر و زودبازده بوده همچنین مصرف سیاسی بالایی در شعارهای انتخاباتی دارد. بنابراین در این مدل راهبردهای کنشی اجتماعی که با صیانت از نسل دوم حقوق بشر پیوند دارند افول کرده تا جایی که گفته شده در این جوامع بخشی از بزهکاران خود قربانی سیاست‌های حاکم به دلیل بی‌توجهی حکمرانان به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایشان‌اند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳: ۵۷۱).

این در حالی است که علی‌الاصول در جوامع مردم‌سالار می‌بایست، از یک سو به دلیل سیاست جنایی آزادی‌محور، برنامه‌های کنترل جرم بر مبنای جرم‌انگاری حداقلی تدوین شود و در عرصه‌ی پیشگیری از جرم نیز، آزادی تا جایی که به منافع عمومی آسیبی وارد نسازد، از تضییق مصون بماند. بنابراین کنشگران، پیشگیری را به‌عنوان هدفی که هر وسیله‌ای را توجیه کند، نباید در دستور کار خویش قرار دهند؛ از دیگر سو بهره‌مندی از راهبردهای کنشی جامعه‌مدار برای از میان برداشتن نارسایی‌های اجتماعی و کنترل بزهکاری، بر اقدامات قهرآمیز اولویت می‌یابد.

تمسک به راهبرد کنشی جامعه‌مدار اگرچه متضمن تخصیص هزینه و زمان بیشتری است، اما نگرانی‌های موجود در خصوص تحدید حقوق اساسی شهروندان، حذف یا طرد ایشان را مرتفع ساخته و از نتایج ثمربخش و پایدار طولانی‌مدتی برخوردار خواهد بود.

برای نمونه، اگرچه در دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، مدل پیشگیری از جرم معروف به مدل «بُن مَزُن» که با تمرکز بر تغییر شرایط زندگی و شخصیت افراد طراحی شد، پیشگام پیشگیری اجتماعی در کشور فرانسه بوده و پس از آن پیشگیری اجتماعی در فرانسه رشد بسیاری داشته است و همچنین مطابق با دیدگاه‌های حزب سوسیال دموکراتیک دولت فدرال بلژیک در دهه‌ی ۱۹۸۰ راهبرد پیشگیری از جرم در راستای حمایت از نظام امنیت اجتماعی شروع به مبارزه علیه فقر و فاصله‌ی طبقاتی اجتماعی کرد و سیاست پیشگیری از جرم به‌عنوان بخشی از سیاست همه‌جانبه‌ی اجتماعی، نقش محوری یافت.

اما، در سال‌های اخیر ایجاد «جامعه‌ی امن» در کشورهای حامی حقوق بشر موجب قربات دولت‌های غربی با دولت‌های اقتدارگرا شده و به استقبال از پیشگیری‌های فناورانه و افزایش سطح پایش منجر شده است. شاخصه‌ای که مدل سیاست جنایی کشورهای غربی را به مدل اقتدارگرایی فراگیر بیش از پیش نزدیک ساخته است.

نزدیک شدن سیاست جنایی جوامع مردم‌سالار به مدل اقتدارگرا حاصل گسترش ارتکاب جرائم تروریستی در این جوامع از یک سو و روی کار آمدن قدرت‌های محافظه‌کار از سوی دیگر است که با دامن زدن به احساس ناامنی به دنبال گسترش کنترل خود بر شهروندان هستند. «آنچنان که شهروندان را نسبت به بزه‌دیدگی احتمالی با اضطراب

مواجه ساخته طوری که گمان کنند در موقعیت ضعیف و شکننده‌ای قرار دارند»^۱ (Gadd and Jefferson, 2007: 48) تا خود ایشان خواستار امنیتی شدن فضای حاکم بر جامعه باشند.

ایجاد حس امنیت یا عدم امنیت توسط دولت‌ها و از طریق رسانه‌ها که قادر هستند با کارکردهای منفی سلامت فکری اعضای جامعه را تهدید کنند صورت می‌گیرد. چرا که رسانه منبع اصلی کسب اطلاعات در زندگی روزمره‌ی افراد است.^۲ (MacLatchie, 1987: 57). محتوای رسانه پس از پخش می‌تواند احساس امنیت خاطر و دلگرمی را در مخاطب ایجاد کند یا موجب انتقال احساس ترس، اضطراب و بی‌ثباتی در او شود.

در مدل اقتدارگرایی فراگیر تمایل بیش از حد حکمرانان به پایش زندگی افراد به بهانه‌ی مهار بزهکاری و به بهای نقض حقوق بنیادین آن‌ها، در حیطه‌ی پیشگیری وضعی به‌خوبی نمایان می‌شود. بررسی مکاتبات و شنود مکالمات در فضای حقیقی و مجازی، کنترل آلوده‌شد و مراودات روزمره‌ی انسان‌ها با استفاده‌ی گسترده از دوربین‌های کنترل در نقاط جرم‌زا و غیرجرم‌زا (دارابی، ۱۳۹۶: ۱۹۲) و در مجموع ثبت و ضبط حداکثری خصوصی‌ترین اطلاعات افراد تحت لوای امنیت‌مداری، در تعارض با حقوق بنیادین بشر از جمله ماده‌ی ۱۲ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، ماده‌ی ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده‌ی ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است.^۳ بنابراین در دوران و تراحم میان رعایت حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد و مصالح یا منافع دولتی، جنبه‌ی دولتی سیاست جنایی تغلب یافته و رعایت حقوق شهروندان تحت‌الشعاع قرار گرفته است.

۲-۲. چرخش ایدئولوژیک و گذر از مؤلفه‌های حقوق بشری

اگرچه مدل‌های سیاست جنایی بر اساس جهان‌بینی و اولویت‌ارزشی آن تعریف می‌شود، در عالم واقع انطباق کامل سیاست‌های کنترل جرم یک کشور صرفاً با یک مدل خاص، به دلیل موضع‌گیری‌های مقطعی احزاب حاکم نسبت به مقوله‌ی بزهکاری؛ امکان‌پذیر نیست.

براین ابتناء، با افول یافته‌های جرم‌شناسی واکنش اجتماعی، در نظام‌های مردم‌سالار غربی، شاهد روی‌کار آمدن قدرت‌های نوظهور، عدم استقبال از تدابیر انسان‌مدار حمایتی و گرایش به راهبردهای موقعیت‌مدار حفاظتی به بهانه‌ی رویارویی با جرائم جهانی و تروریستی هستیم. تا جایی که پیشروی در حریم آزادی‌های شهروندان، حق تأمین حقوق بنیادین آنان را در برابر نهادهای امنیتی پایمال کرده و ایده‌آل امنیت در گستره‌ی آزادی را به بحران آزادی در حصار

1. Gadd, David, Jefferson, Tony; (2007) "Psychosocial criminology" SAGE, 1 edition, U. K. p. 58.

2. MacLatchie, J. M., (Ed.) (1987) Insights in to violence in contemporary society, Ottawa, The John Howard Society of Canada, p. 57.

۳- به موجب ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی: "حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی افراد:

۱- هر کس از حق احترام به زندگی خصوصی و خانوادگی، خانه و مراسلات خود برخوردار است.

۲- در اجرای این حق هیچ مداخله‌ای نباید از سوی هیچ یک از مقامات دولتی صورت گیرد مگر مداخلات منطبق بر قانون و مواردی که در یک جامعه‌ی مردم‌سالار به دلایل حفظ امنیت ملی، ایمنی عمومی یا رفاه اقتصادی کشور، پیشگیری از هرج و مرج و جرایم، حفاظت از سلامتی و اخلاقیات یا حفاظت از حقوق سایرین ضروری تشخیص داده شوند."

امنیت بدل کرده است. «از این رو گفتمان قدیمی عوامل اجتماعی جرم با اصطلاحات نوینی همچون شاخصه‌های ریسک، هزینه‌ی جرم و... جایگزین شده‌اند که نشان‌دهنده‌ی رویکرد نتیجه‌محوری در عرصه‌ی جرم‌شناسی است»^۱ (Garland, 2002: 189).

بدون تردید تمایل غالب کشورهای غربی در سال‌های اخیر به مداخله‌ی بیشینه‌ای در حقوق و آزادی‌های شهروندان اگرچه ناشی از خیزش فزاینده‌ی جرائم است اما به قدرت رسیدن احزابی که در دوران پیدایش جوامع مردم‌سالار از اقبال عمومی برخوردار نبوده‌اند، نقش انکارنشدنی در این میان دارد.

در بلژیک با به قدرت رسیدن حزب نئولیبرال افراطی و تقویت نسبی اقتدارگرایی، دولت فدرال راهبرد تأمین امنیت را از طریق اولویت بخشیدن به اعمال پیشگیری‌های وضعی فناورانه، یکپارچه‌سازی مداخلات دولتی در سطح ملی و محلی و اعطای اختیارات وسیع‌تر به پلیس را دستور کار خویش قرار داد (Hebberecht, 2008: 181). از سال ۲۰۰۲ پیمان‌های پیشگیری امنیتی برای ۷۳ شهر و منطقه در بلژیک در نظر گرفته شد. محتوای این طرح بر مبنای پیشگیری وضعی فناورانه از جرائم علیه اموال، خشونت‌های خیابانی و ناهنجاری‌های ناشی از مصرف مواد مخدر و قاچاق در نظر گرفته شده بود. با این شرایط فضایی برای جناح چپ در سیاست پیشگیری فدرال جهت ابعاد اجتماعی، شهری و ساختاری پیشگیری از جرم باقی نماند. در سال ۲۰۰۷ طرح‌های امنیتی و پیشگیری استراتژیک برای انواع جرائم در نظر گرفته شد (Ibid) که تمایل به سمت پیشگیری وضعی فناورانه و رویکرد اقتدارگرایانه نسبت به بی‌نظمی عمومی داشت.

از دیگر موارد امنیت‌مدار شدن راهبردهای پیشگیری از جرم می‌توان به قانون تقویت امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم فرانسه مصوب سال ۲۰۱۷ اشاره کرد که با ایجاد وضعیت فوق‌العاده‌ی دائمی به دولت فرانسه اجازه داده است تا به نام مبارزه با تروریسم و بدون داشتن شواهد محکم و مجوز قضایی اقدام به تدابیر پیشگیرانه‌ی غیر حقوق بشری کند. به موجب این قانون پلیس در موارد ظن می‌تواند بدون مجوز دادگاه اقدام به بازرسی افراد مظنون و تفتیش خودروها نماید. همچنین شنود مکالمات و ارتباطات الکترونیکی، تجسس از اموال عمومی، بررسی ایمیل‌ها، توقیف پاسپورت و کارت شناسایی افرادی که ظن پیوستن آن‌ها به گروه‌های تروریستی وجود دارد، مجوز قانونی می‌یابد. افزون بر این مظنونین جرائم تروریستی با حبس خانگی روبه‌رو خواهند شد و مأمورین امنیتی مجوز حمله به محل زندگی و کار آن‌ها را در هر ساعت از شبانه‌روز خواهند داشت. قانون میهن‌پرستی آمریکا^۳ که پس از حملات یازده سپتامبر وضع گردید و به گفته‌ی برخی مسئولین امنیتی آمریکا علی‌رغم منقضی شدن در سال ۲۰۱۴ همچنان بر اساس

1. Garland David; (2002) "The Culture of Control Oxford", oxford university press, p. 189.

2. Strengthening Internal Security & The Fight Against Terrorism Act -2017

3. Patriot Act -2011

آن عمل می‌شود نیز به وزارت دادگستری اجازه‌ی بازداشت افراد مظنون به فعالیت‌های تروریستی را برای مدت نامحدود می‌دهد.

بنابراین بزه‌دیده شدن شهروندان در قبال حملات تروریستی و سازمان‌یافته موجب شده است تا سیاست‌های کنترل جرم و پیشگیری از بزهکاری از مدل حمایتی و بالینی فاصله بگیرد و بر مبنای مدیریت ریسک جرم، کنترل گروه‌های خطرناک و نظارت بیشتر؛ با سلب توان بزهکار، سخت‌گیری و شدت‌گرایی در عمل همراه باشد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان می‌دهد که فقه اسلامی سرشار از احکامی است که بر کرامت انسانی تأکید دارد. کرامتی که صیانت از آن موجب رشد و تعالی بشر بوده و تأمین امنیت، رفاه و آسایش شهروندان را زمینه‌سازی حفظ این مهم می‌داند. از این رو سیاست جنایی اسلام در برخورد‌های کنشی مقابله با بزهکاری همواره بر رعایت شأن و حرمت انسان‌ها تأکید کرده است. حمایت از حریم خصوصی، در سیاست جنایی اسلام از قدمت بسیار برخوردار است و پیش از آنکه در غالب کنوانسیون‌های دولت‌های غربی مورد تأکید قرار گیرد در منابع اسلامی مورد توجه بوده است. از سوی دیگر استثناهایی که در منابع اسلامی بر ممنوعیت مداخله در امور دیگران وارد شده است بسیار محدود بوده و تنها به دلیل منافع و ضرورت‌های اجتماعی اجازه داده شده است.

بدین سان، برقراری تعادل بین تضمین حق مردم بر امنیت جانی و مالی، از یک سو و تضمین حقوق و آزادی‌های فردی در برابر قوای دولتی، از سوی دیگر چندان ساده نیست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۲)؛ مؤلفه‌ای که امروزه با استناد به ارتقاء امنیت در جامعه و عقب راندن موج بزهکاری توسط دولتمردان در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی غربی با قرائت‌های مختلف احزاب حاکم در کشورها ملازم‌ت پیدا کرده است و اگرچه دولتمردان این کشورها، گفتمان خود را در طراحی تدابیر پیشگیرانه‌ی کنشی با رعایت شاخصه‌های حقوق بشری قرار می‌دهند، اما در عمل گسترش رویکردهای امنیتی، تمایل به پیشگیری موقعیت‌مدار و افزایش اختیارات پلیس و دستگاه قضایی را در دستور کار خویش قرار داده‌اند.

از این رو، تدابیر حداکثری پیشگیری‌های غیرتدافعی و راهبردهای کمینه‌ای مداخله‌ی نظام کیفری در کشورهای دموکراتیک در قرابت مقطعی به مدل اقتدارگرایی فراگیر، در سال‌های اخیر با گسترش جامعه‌ی امنیتی در کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی غربی، شاهد به محاق رفتن راهبرد پیشگیری حقوق‌بشرمدار و اتخاذ راهبرد پیش‌رونده در حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد به بهانه‌ی ایجاد جامعه‌ی امن هستیم.

منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۷). *معانی الأخبار* (عبدالعلی محمدی شاهرودی، مترجم). (چاپ دوم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲. اوبراین، مارتین و یار، مجید (۱۳۹۴). *جرم‌شناسی (مفاهیم کلیدی)* (محمود میرخلیلی و جلال‌الدین حسانی، مترجم). (چاپ اول). تهران: بهنامی.
۳. جندلی، منون (۱۳۹۵). *درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما)* (شهرام ابراهیمی، مترجم). (چاپ دوم). تهران: میزان.
۴. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۹۷). *جرم‌شناسی کاربردی*. (چاپ دوم). قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ع).
۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۷ق). *وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*. (چاپ سوم). تهران: مکتب الاسلامیه طهران.
۶. حویزی، عبد علی ابن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نور الثقلین*. (چاپ چهارم). قم: اسماعیلیان.
۷. خواجه‌پیری، عباس (۱۳۹۶). *قلمرو حریم خصوصی در اسلام*. *دوفصلنامه شهر قانون*، (۲۰).
۸. خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). *مصباح الفقاهه فی المعاملات*. (چاپ اول). قم: انصاریان.
۹. دارابی، شهرداد (۱۳۹۶). *پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی*. (چاپ دوم). تهران: میزان.
۱۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲). *المواهب فی تحریر احکام المکاسب*. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
۱۱. ساریخانی، عادل و سلطانی بهلولی، مریم (۱۳۹۴). *نقش قوه مجریه در پیشگیری اجتماعی از جرم*. *فصلنامه حقوقی دادگستری*، (۹۴)، ۱۴۵-۱۶۸.
۱۲. عابدزاده، اصغر (۱۳۹۸). *ضرورت امر به معروف و نهی از منکر در عصر حاضر با رویکرد قرآنی و روایی*. *پژوهش‌های اعتقادی کلامی*، (۳۴)، ۱۸۸-۲۰۵.
۱۳. غفوری چرخابی، حسین و قدرتی، محمد (۱۳۹۷). *بررسی قاعده لاضرر با رویکرد تطبیق بر حق کرامت انسانی*. *مطالعات حقوقی*، (۱۹)، ۲۸۹-۳۱۰.
۱۴. قربانی لاهیجی، زین‌العابدین (۱۳۸۴). *تفسیر جامع آیات الاحکام*. (چاپ سوم). تهران: سایه.
۱۵. قرآن کریم.
۱۶. کلینی، محمد (۱۳۸۸). *اصول کافی (لطیف راشدی و سعید راشدی، مترجم)*. (چاپ اول). قم: اجود.
۱۷. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. (چاپ دوم). قم: موسسه آل البيت (ع) لأحیاء التراث.
۱۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۷). *حکمت‌نامه پیامبر اعظم (ص)*. (گروه مترجمان). قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸). *منتخب میزان الحکمه (حمیدرضا شیخی، مترجم)*. (چاپ هشتم). قم: موسسه علمی فرهنگی دارالحديث.
۲۰. میرخلیلی، سید محمود (۱۳۹۰). *سد ذرائع و پیشگیری از بزهکاری در آموزه‌های اسلامی*. *حقوق / سلامی*.

- (۳۱)، ۱۰۳-۱۲۸.
۲۱. میرخلیلی، سید محمد (۱۳۹۴). مبانی و راهبردهای سیاست جنایی اسلام. کمیسیون تخصصی فقه و حقوق اسلامی، (۲)، ۳۰۸-۳۳۰.
۲۲. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۲). درآمدی بر پژوهش در نظام عدالت کیفری: فرصت‌ها و چالش‌ها. در *بایسته‌های پژوهش در نظام عدالت کیفری* (چاپ اول، صص ۱۱-۴۰). تهران: میزان.
۲۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۳). درآمدی بر اساسی سازی حقوق کیفری. در ع. ا. گرجی (ویراستار)، *در تکاپوی حقوق عمومی* (چاپ اول، صص ۹۸۷-۱۰۰۲). تهران: جنگل.
۲۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴ الف). به سوی تعریف یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری. در *دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد* (چاپ اول). تهران: میزان.
۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۴ ب). پیشگیری عادلانه از جرم. در *مجموعه مقالات علوم جنایی، تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری* (چاپ سوم، صص ۹-۳۴). تهران: سمت.
۲۶. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. (چاپ اول). بیروت: مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۲۷. نهج البلاغه (۱۳۸۳). (محمد دشتی، مترجم). (چاپ اول). قم: سبط النبی.
۲۸. واقدی، محمد بن عمر (۱۳۶۱). *المغازی: تاریخ جنگ‌های پیامبر (ص)* (محمود مهدوی دامغانی، مترجم). (چاپ اول). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

References

1. Clark, R. V. (1997). Introduction. In R. V. Clark (Ed.), *Situational crime prevention: Successful case studies* (2nd ed., pp. 1-44). Criminal Justice Press.
2. Felosen, M., & Clark, R. V. (1997). The ethics of situational crime prevention. In G. Newman, R. V. Clark, & S. G. Shoham (Eds.), *Rational choice and situational crime prevention* (pp. 197-218). Dartmouth Publishing Company Limited.
3. Gadd, D., & Jefferson, T. (2007). *Psychosocial criminology*. SAGE Publications.
4. Garland, D. (2002). *The culture of control: Crime and social order in contemporary society*. Oxford University Press.
5. Hebberecht, P. (2008). Crime prevention at the Belgium federal level: From a social democratic policy to a neo-liberal & authoritarian policy in a social democratic context. In A. Crawford (Ed.), *Crime prevention politics: Comparative perspective* (pp. 177-196). Willan Publishing.
6. MacLatchie, J. M. (Ed.). (1987). *Insights into violence in contemporary society*. The John Howard Society of Canada.

اسناد و پایگاه‌های الکترونیکی

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸).
۲. فرجیها، محمد (۱۳۸۵). *اظهارنظر کارشناسی درباره لایحه پیشگیری از جرم*. مرکز پژوهش‌های مجلس.

۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸).
۴. قانون پیشگیری از وقوع جرم (۱۳۹۴).
۵. کنوانسیون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶).
۶. کنوانسیون میثاق بین‌المللی حقوق فرهنگی و اقتصادی (۱۹۶۶).
۷. منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵).

